

به فتح بنزول و با آ

۹۱۸۵۷



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

پایان نامه:

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
در رشته روان شناسی بالینی کودک و نوجوان

عنوان:

مقایسه ویژگیهای شخصیتی پسران ۱۳- ۱۵ ساله بزهکار و غیر بزهکار با آزمون  
ترسیم خانواده

استاد راهنما:

دکتر عصمت دانش

استاد مشاور:

دکتر شهریار شهیدی

اساتید داور:

دکتر سیما فردوسی و دکتر بهروز دولتشاهی

نام دانشجو:

مصطفی سلیمی

پاییز ۱۳۸۶

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۵

۹۱۵۴۷

## فهرست موضوعات

### فصل اول: گستره علمی موضوع پژوهش

۷	مقدمه
۹	بیان موضوع و مساله پژوهش
۱۲	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۵	هدف پژوهش
۱۵	سوالهای پژوهش
۱۷	متغیرها و تعاریف اصطلاحات و واژه ها
۱۷	• متغیر مستقل یا پیش بین
۱۷	• متغیر وابسته
۱۷	• متغیر کنترل
۱۹	• بزهکاری
۱۹	خلاصه فصل

### فصل دوم: دیدگاههای نظری در زمینه شخصیت و بزهکاری

۲۲	بزهکاری از دیدگاه حقوقی
۲۳	دیدگاههای روان شناختی
۲۷	• رویکرد روان پویایی
۳۲	• رویکرد زیستی
۳۶	• رویکرد رفتاری-شناختی
۴۰	• رویکرد یادگیری اجتماعی
۴۲	• رویکرد پدیدارشناختی
۴۴	• رویکرد صفات
۵۰	آشنایی با مفهوم نقاشی و رابطه آن با بررسی ویژگیهای شخصیتی
۵۱	• چرا کودکان نقاشی می کشند؟
۵۱	✓ تبیین پیازه از نقاشی
۵۲	✓ نقاشی به مثابه فرافکنی
۵۳	✓ نقاشی به مثابه یک بازی
۵۳	✓ رهیافت های هنرمندانه
۵۴	✓ تاثیرات اجتماعی
۵۵	• مراحل تکامل نقاشی
۵۸	• تاریخچه نظری استفاده از آزمونهای ترسیمی
۶۲	یافته های پژوهشی در زمینه پژوهش حاضر
۶۸	خلاصه فصل

## فصل سوم: فرایند روش شناختی پژوهش

جامعه آماری .....	۷۱
• نمونه آماری و روش نمونه گیری .....	۷۱
ابزار گردآوری اطلاعات .....	۷۲
• برگه ویژگیهای جمعیت شناختی .....	۷۲
• آزمون ترسیم خانواده و آدمک .....	۷۲
• اعتبار و پایایی آزمون .....	۷۴
• روش اجرای آزمون .....	۷۵
• روش نمره گذاری .....	۷۶
طرح و روش پژوهش .....	۷۷
روش تجزیه و تحلیل آماری .....	۷۷
خلاصه فصل .....	۷۷

## فصل چهارم: نتایج پژوهش

داده های جمعیت شناختی .....	۸۰
داده های توصیفی .....	۸۴
بررسی سوالات پژوهش .....	۹۶
• بررسی سوالات اول و دوم و سوم .....	۹۷
• بررسی سوالات چهارم و پنجم و ششم .....	۹۸
• بررسی سوالات هفتم و هشتم و نهم .....	۹۹
• بررسی سوالات دهم و یازدهم و دوازدهم .....	۱۰۰
• بررسی سوال سیزدهم .....	۱۰۱
یافته های جنبی .....	۱۰۱
خلاصه فصل .....	۱۰۷

## فصل پنجم: بحث و نتایج نهایی

بحث و بررسی درباره یافته ها .....	۱۰۹
تفسیر نهایی و پیامدها .....	۱۱۳
محدودیت های پژوهش .....	۱۱۵
پیشنهاد های پژوهش .....	۱۱۷
خلاصه فصل .....	۱۱۸

تقدیم به دانش و تمدن که  
والا ترین دستاوردهای بشری اند.

با تشکر و سپاس ویژه از

اساتید محترم

سرکار خانم دکتر عصمت دانش و جناب آقای دکتر  
شهریار شهیدی که با صبر و موصله فراوان و راهنماییهای  
ارزنده و بجا، گام به گام در اجرای این پژوهش، اشکالات  
کار را گوشزد و مرا همراهی و یاری نمودند.

نام خانوادگی: سلیمی

نام: مصطفی

دانشکده: روان شناسی و علوم تربیتی

رشته تحصیلی: روان شناسی بالینی

نام استاد راهنما: دکتر عصمت دانش

گرایش: کودک و نوجوان

تاریخ فراغت از تحصیل: آبان ۱۳۸۶

عنوان پایان نامه: مقایسه ویژگیهای شخصیتی پسران ۱۳- ۱۵ ساله بزهکار و غیر بزهکار با آزمون ترسیم خانواده

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین تفاوت‌های شخصیتی پسران بزهکار و غیر بزهکار انجام شد. بدین منظور ۴۰ پسر بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر زیبا به صورت نمونه گیری در دسترس و ۴۰ پسر غیر بزهکار از منطقه پنج آموزش و پرورش تهران در مقطع دوم و سوم راهنمایی به صورت خوشه ای انتخاب شدند. در مورد هر یک از آزمودنیها، آزمون ترسیم خانواده اجرا و توسط فرمهایی که به آنها ارائه شد، ویژگیهای دموگرافیک آنها نیز به دست آمد. برای نمره گذاری نقاشی ها در عین حال هم از تفسیرهای آزمون ترسیم خانواده استفاده و هم در مورد آدمکی که آزمودنی با آن همانندسازی کرده بود از ملاکهای تفسیری آزمون آدمک استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون t مستقل و خی دو استفاده شد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، این نتایج به دست آمد: پسران بزهکار در مقایسه با پسران غیر بزهکار در نقاشی های خود سطح بالاتری از نارزنده سازی، حذف اعضای خانواده، اضطراب، افسردگی، نیاز به امنیت، قدرت طلبی، خشم، پرخاشگری و پارانویا را نشان دادند و نمادهای صمیمیت، سازش یافتگی مناسب و تعداد رنگهای استفاده شده در نقاشی آنها کمتر از گروه غیر بزهکار بود.

# فصل اول

## گستره علمی موضوع پژوهش

مقدمه

بیان موضوع و مساله پژوهش

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهداف پژوهش

سوالهای پژوهش

متغیرها و تعاریف اصطلاحات و واژه ها

• متغیر مستقل یا پیش بین

• متغیر وابسته

• متغیر کنترل

• بزهکاری

خلاصه فصل



# فصل اول

## گستره علمی موضوع پژوهش

این فصل با ذکر مقدمه ای آغاز می شود، سپس مساله، اهمیت و ضرورت پژوهش بیان خواهد شد و در انتها متغیرها و اصطلاحات مهم تعریف می گردند.

### ۱-۱) مقدمه

انسانها در فراز و نشیب های تاریخ همواره از دردها و آسیبهای فردی و اجتماعی متحمل رنجها و مسایل شدیدی شده و پیوسته در جستجوی علل و انگیزه های آنها بوده اند تا راهها و شیوه هایی را برای رهایی از آنها بیابند و از مجموعه این آگاهیها و تجربه ها و اندوخته ها، توانسته اند زمینه های مطالعاتی و رشته های مختلفی را برای تبیین این مسایل پی ریزی کنند. حاصل این کار (در مورد آسیبهای اجتماعی)، پیدایی دانش آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات) است (ستوده، ۱۳۸۱). در مورد آسیب های فردی تر می توان به دانش پزشکی و روان شناسی بالینی اشاره کرد که اولی به بررسی علل و درمان مشکلات جسمانی انسانها و دومی به کشف علل، تبیین و درمان آسیب های روانی می پردازد.

یکی از مباحث جالب در روان شناسی، مبحث شخصیت است که اغلب دانشجویان این رشته و رشته های مربوط دیگر علاقه زیادی به آن دارند. هر کسی شخصیتی دارد و شخصیت شما به تعیین محدودیت های موفقیت، خوشی و خرسندی در زندگی شما کمک می کند. ما درباره شخصیت صحبت می کنیم و اگر بگوییم که شخصیت، یکی از مهمترین موهبت های زندگی است گزافه گویی

نکرده ایم. در مجموع، نیروها، عوامل و تاثیراتی هستند که شخصیت را شکل می دهند (شولتز<sup>۱</sup> و شولتز<sup>۲</sup>، ۱۳۷۹).

بدیهی است که بررسی علل بیماریها و آسیب های روانی مختلف، نابسامانیهای فردی و اجتماعی گوناگون مانند فقر، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی، مشکلات و معضلات ارتباطی میان انسانها مانند پرخاشگری های شدید فیزیکی یا کلامی که به شخصیت افراد صدمه وارد می آورند و نیز هزاران آسیب فردی و اجتماعی گوناگون مانند خودکشی، سرقت، سوء مصرف مواد، الکلیسم، طلاق و بزهکاری، از ابعاد ارزشی و کاربردی فراوانی برخوردار می باشد.

یکی از این آسیب ها بزهکاری است که از اهمیت فراوانی برخوردار است و از جنبه های مختلف فردی و اجتماعی قابل بررسی می باشد. جامعه شناسان، ریشه بسیاری از کجرویهای اجتماعی را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می کنند و علل زیرساز بسیاری از آنها را در خود جامعه می دانند و از طرف دیگر، بسیاری از روانشناسان، علل رفتارهای انحرافی را بر حسب نقص شخصیت فرد، توجیه و تبیین می کنند و بر این باورند که برخی از گونه های شخصیت، بیشتر از گونه های دیگر گرایش به ارتکاب جرم دارند (ستوده، ۱۳۸۱).

درک مساله شخصیت، هدف نهایی و پیچیده ترین دستاورد روان شناسی است. شخصیت به یک معنا تمام روان شناسی را در بر می گیرد. هیچ آزمایشی در روان شناسی وجود ندارد که در شناساندن شخصیت سهم نباشد. تذکر این نکته به هیچ وجه به معنای جزئی پنداشتن زمینه های دیگر روان شناسی و بنا کردن شخصیت به منزله رشته رهنمود دهنده نیست، بلکه در حکم برجسته ساختن این نکته است که هر آنکس که به بررسی شخصیت می پردازد نباید از دیگر قلمروهای روان شناسی ناآگاه باشد (مای لی<sup>۳</sup>، ربرتو<sup>۴</sup>، ۱۳۸۰).

در این پژوهش نیز سعی بر آن است تا به مساله بزهکاری از زاویه عوامل شخصیتی نگریسته شود. البته این بدان معنا نیست که محقق، سهم عوامل محیطی

<sup>۱</sup>-Schultz, D. P.

<sup>۲</sup>- Schultz, S. E.

<sup>۳</sup>-Meili, R.

<sup>۴</sup>-Robertoux, P.

را ناچیز می پندارد، بلکه پیچیدگی موضوع و محدودیتهای واقعی در مورد موضوع این پژوهش، منجر به بررسی کمرنگ تر علل محیطی در این مجال شده است. موضوع این تحقیق و ابزار مورد استفاده یعنی آزمون ترسیم خانواده<sup>۵</sup> نیز نشان می دهد که در این پژوهش، سهم عوامل محیطی مانند کیفیت ارتباطات خانوادگی و شخصی، البته تا حد مرتبط با موضوع این پژوهش، مد نظر خواهد بود.

## ۱-۲) بیان موضوع و مساله پژوهش

در مورد ویژگی های شخصیتی و تاثیر آن بر رفتار انسان و پژوهش در مورد این موضوع در ادبیات روان شناسی به تفصیل مطالب فراوانی وجود دارد. در تمامی رویکردها و مکاتب روان شناسی از جمله رفتارگرایی<sup>۶</sup>، روان شناسی شناختی<sup>۷</sup> و روان تحلیل گری<sup>۸</sup> که به موضوع شخصیت پرداخته اند، تمامی نظریه پردازان کوشش کرده اند تا به نحوی به این موضوع بپردازند و بنابراین، بررسی این موضوع، سابقه ای طولانی در تاریخچه روان شناسی دارد. پیش فرض اصلی تمامی این مکاتب این است که ویژگیهای شخصیتی عنصری بسیار مهم در تبیین رفتار افراد می باشد و تنها تفاوت این مکاتب از این منظر، اختلاف نظر آنها در مورد میزان تاثیر این ویژگیها بر رفتار است. برخی نقش ویژگیهای شخصیتی را برجسته تر از محیط می دانند و برخی دیگر بیشتر به موضوع محیط و تاثیر آن بر رفتار پرداخته و شمار دیگری از آنها نیز تاثیر محیط و شخصیت را کمابیش یکسان تلقی کرده اند.

در مورد مکاتب نوع اول شاید بهترین نمونه نظریات روانشناسان وجودی<sup>۹</sup> باشد. وجود نگرها از اصطلاح شخصیت به صورتی که مجموعه صفات ثابت فرد را مورد اشاره قرار دهد ناخشنودند. ما باید تصمیماتی بگیریم که عمیقاً بر باقی

<sup>۵</sup>-Family Drawing Test

<sup>۶</sup>-Behaviorism

<sup>۷</sup>-Cognitive Psychology

<sup>۸</sup>-Psychoanalysis

<sup>۹</sup>-Existential Psychologist

زندگیمان تاثیر می گذارند، مثل اینکه کجا به مدرسه برویم، چه شغلی را انتخاب کنیم، با چه کسی ازدواج کنیم و آیا بچه دار شویم یا نه؟ طبیعی است که وجودنگرها نقش انسان و شخصیت وی در این تصمیم گیری ها را موثرتر می دانند (پروچاسکا<sup>۱۰</sup> و نورکراس<sup>۱۱</sup>، ۱۳۸۱).

در مورد نظریه های نوع دوم می توان به رویکرد یادگیری اجتماعی<sup>۱۲</sup> اشاره داشت که بر اهمیت تعیین کننده های محیطی یا موقعیتی تاکید می کند. به عقیده نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، اعمال یک فرد در یک موقعیت بستگی دارد به خصوصیات ویژه آن موقعیت، ارزیابی فرد از آن موقعیت و تقویتی که شخص در گذشته به خاطر رفتار معینی در شرایط مشابه آن موقعیت (و یا مشاهده دیگران در شرایط مشابه آن موقعیت) دریافت کرده است (اتکینسون<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۱۳۸۰).

بالاخره در مورد نوع سوم که در واقع نظریاتی هستند که سهم محیط و ویژگی های شخصیتی را کمابیش مساوی می دانند می توان به اریک فروم<sup>۱۴</sup> اشاره کرد. وی تصویر خوشبینانه ای را از ماهیت انسان ارائه داد. او مردم را به صورتی که توسط نیروهای زیستی تغییرناپذیر به تعارض و اضطراب محکوم شده باشند نمی دید. بنا به نظر فروم ما به وسیله ویژگی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه مان شکل می گیریم. با این حال این نیروها به طور کامل منش ما را تعیین نمی کنند. ما مجموعه ای از ویژگیها یا مکانیسم های روان شناختی داریم که به وسیله آنها ماهیت خود و جامعه مان را شکل می دهیم. همچنین وی تعدادی تیپ منش را معرفی کرد و برای هر یک از این تیپ ها خصوصیات رفتاری خاصی بر شمرد. وی همچنین معتقد بود که این ویژگیها شالوده کل رفتار را تشکیل داده و شرح می دهند که چگونه ما خود را به دنیای واقعی مربوط ساخته یا با آن تطبیق می دهیم (شولتز<sup>۱۵</sup> و شولتز<sup>۱۶</sup>، ۱۳۷۹).

<sup>۱۰</sup> - Prochaska, J. O.

<sup>۱۱</sup> - Norcross, J. C.

<sup>۱۲</sup> - Social Learning

<sup>۱۳</sup> - Atkinson, R. L.

<sup>۱۴</sup> - Fromm, E.

<sup>۱۵</sup> - Schultz, P.

<sup>۱۶</sup> - Schultz, S. E.

همانگونه که می بینیم مکاتب برجسته در روان شناسی به این موضوع پرداخته اند. مبحث شخصیت، ویژگی های شخصیتی و تاثیر آن بر روی رفتار در روان شناسی، جایگاه ویژه ای دارد و بخصوص هنگامی که ما در روان شناسی بالینی به مبحث روان شناسی مرضی می پردازیم قابل توجه است و این موضوع از دو منظر قابل طرح می باشد:

اول اینکه روشن است که توصیف موضوع، مسائل واختلالهای روانی، توصیف خصیصه های فاعلی و عینی اختلالهای ملایم و نشانه های آنها، خصیصه های مجزا و همچنین پیوستگی های می توانند با خصیصه های دیگر داشته باشند، نخستین گام در راه روان شناسی مرضی است، سپس همانند دیگر شاخه های علوم عملی، روان شناسی مرضی می کوشد تا به پدیده های متعدد قلمرو خود، با طبقه بندی آنها بر اساس تعدادی ضابطه نظم بخشد. هر طبقه بندی به پدیده های متعدد (خصیصه ها، رگه<sup>۱۷</sup>، افراد) ، با قراردادن آنها در نظامی که به طبقات تقسیم شده است نظم می بخشد و در هر طبقه مجموعه عناصری که دارای خصوصیات مشترک هستند جای داده می شود (دادستان، ۱۳۸۰).

منظر دوم اینکه حتی امروزه DSM IV<sup>۱۸</sup> که در راس نظام های طبقه بندی در روان شناسی بالینی قرار دارد به تعریف یکسری از ویژگیهای رفتاری و یا روانی می پردازد و سپس با عنوانی مناسب جهت نامگذاری، شخص یا گروهی را از دیگران مجزا می کند، به این معنا که اگر شخصی چند نشانه خاص با شدت خاص و در طول زمانی معین را نشان بدهد اسکیزوفرن، افسرده، ضد اجتماعی و... می باشد. نتیجه اینکه که در مبحث تشخیص در روان شناسی بالینی شناخت ویژگیها و خصوصیات افراد از اهمیت فراوانی برخوردار است و بسیار رایج و معمول نیز می باشد. یکی از مسایل و مشکلاتی که افراد، ارگانها و گروههای گوناگونی را در جامعه در راستای پیشگیری و مداخله به خود مشغول می دارد، مبحث بزهکاری است که در این تحقیق بدان پرداخته می شود.

<sup>۱۷</sup> - Trait

<sup>۱۸</sup> - Diagnostic And Statistical Manual Of Mental Disorders 4th edition (DSM IV)

مسئله اصلی در این تحقیق، تشخیص ویژگیهای شخصیتی پسران کانون اصلاح و تربیت کودکان و تعیین تفاوت این گروه با کودکان غیر بزهکار است تا بتوان به شناخت بهتری از وضعیت روانی این کودکان دست یافت. در این پژوهش جهت تشخیص این ویژگیها از آزمون ترسیم خانواده استفاده می شود که از انواع آزمون های فرافکن است و علت انتخاب آن این است که آشکار شود این کودکان چگونه خود، محیط خانوادگی و جامعه و اطرافیان خود را درک می کنند و از چه راهکارهایی جهت برخورد با محیط خود استفاده می کنند. در بحث مربوط به تفسیر نیز، هم از ملاک های تفسیری آزمون ترسیم خانواده و هم از ملاک های تفسیری آزمون ترسیم آدمک<sup>۱۹</sup> استفاده شده و هر کدام از آدمک های ترسیم شده که آزمودنی با وی همانندسازی کرده، به عنوان یک آزمون DAP در نظر گرفته شده است.

همانگونه که در فصل دو خواهیم دید، نظریه پردازان زیادی در زمینه بزهکاری به ارائه نظرات خود پرداخته اند اما در عین حال در زمینه پژوهش های عملی، کمبودهای فراوانی در این زمینه وجود دارد که بایستی به آنها پرداخته شود و این مساله با پژوهشهایی همانند این پژوهش قابل پیگیری می باشد.

در اینجا لازم به ذکر است که موضوع این پژوهش، مقایسه ویژگیهای شخصیتی پسران ۱۳ تا ۱۵ ساله بزهکار و غیر بزهکار با آزمون ترسیم خانواده می باشد. اکنون سوال این است که اصولاً چرا تحقیق در این زمینه اهمیت دارد و چرا باید به این موضوع پرداخته شود؟

### ۱-۳) اهمیت و ضرورت پژوهش

در مورد اهمیت و ضرورت تحقیق در مورد موضوع بزهکاری، دلایل گوناگونی وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

<sup>۱۹</sup> Draw A Person

اولا اگر چه تاثیرات کوتاه مدت راهبردهای درمانی مانند آموزش مدیریت والدین<sup>۲۰</sup> و درمانهای شناختی-رفتاری<sup>۲۱</sup> در مورد بزهکاری به اثبات رسیده است (کازدین<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۱)، اما تاثیر آن در دراز مدت به نظر ناچیز می رسد (بنت<sup>۲۳</sup> و افورد<sup>۲۴</sup>، ۱۹۹۴)، بنابراین منطقی است که شعار معروف بهداشت روانی یعنی «پیشگیری بهتر از درمان است» بخصوص در این مورد مد نظر قرار گیرد و علاج واقعه قبل از وقوع صورت گیرد.

دلیل دیگر اینکه، برخی از ویژگیهای شخصیتی در کودکان بزهکار می تواند تداوم و پیش آگهی بد بزهکاری را نیز تشدید کرده و به تداوم این رفتارها حتی در بزرگسالی بیانجامد. به عنوان مثال یاکنو<sup>۲۵</sup> و الکینز<sup>۲۶</sup> (۱۹۹۷) با مطالعه در مورد دو قلوها، دریافتند که هوش و پیشرفت تحصیلی پایین، سوء مصرف مواد و نیز شروع رفتار بزهکارانه در سنین پایین می تواند با ادامه یافتن رفتارهای بزهکارانه در سنین بالاتر مرتبط باشد.

ضرورت دیگر این است که مراجعی مانند DSM تنها معیارهایی کلی به ما می دهند که بیشتر می توان با استفاده از آنها به امر تشخیص ظاهری برخی از اختلالات پرداخت در صورتی که با تحقیقات بنیادی از قبیل این پژوهش می توان ویژگیهایی را به دست آورد که با ملاکهای روانپزشکی متفاوت بوده و بیشتر جنبه روانشناختی دارند.

باید به این مهم اشاره داشت که همانگونه که در فصل دوم به آن اشاره می شود، اگر کودکان و نوجوانان بزهکار را بتوانیم در یک تشخیص DSMی قرار دهیم، نزدیک ترین تشخیص آسیب شناختی برای این کودکان، اختلالات نافرمانی مقابله ای<sup>۲۷</sup>، اختلال سلوک<sup>۲۸</sup> و یا اختلال رفتار اغتشاش گر<sup>۲۹</sup> می باشد (DSM IV).

<sup>۲۰</sup>- Parent Management Training

<sup>۲۱</sup>-Cognitive-Behavioral Therapy

<sup>۲۲</sup>-Kazdin, A.

<sup>۲۳</sup>-Bennett, K. J.

<sup>۲۴</sup>-Offord, D. R.

<sup>۲۵</sup>- Iacono, W. G.

<sup>۲۶</sup>- Elkins, I. J.

<sup>۲۷</sup>-Oppositional Defiant Disorder (ODD)

<sup>۲۸</sup>-Conduct Disorder (CD)

<sup>۲۹</sup>-Disruptive Behavior Disorder (DBD)

۱۹۹۴)، این دو اختلال علاوه بر آسیب هایی که برای خود فرد در پی خواهد داشت به لحاظ اجتماعی نیز هزینه های مادی و غیرمادی سنگینی به جا می گذارد. در عین حال، بزهکاران به طور کلی نسبت به مداخلات درمانی بسیار مقاومند و به صورت طبیعی نیز تمایل کمی به بهبود نشان می دهند. به عنوان یک خصیصه مهم در کار بالینی، می توان گفت که مشکلات رفتاری کودکان مبتلا به اختلال رفتار اغتشاش گر اغلب پایدار و مقاوم است (افورد<sup>۳۰</sup> و همکاران، ۱۹۹۲). مسئله مهم دیگر که ضرورت انجام تحقیق را در این مورد نشان می دهد این واقعیت است که اختلالات سلوک و نافرمانی مقابله ای می تواند با اختلالات روانشناختی دیگر همراه شده و چه از لحاظ فردی و چه اجتماعی، تبدیل به یک معضل چند بعدی و پرهزینه شود. طبق برآورد هایی که در مورد شیوع اختلال نافرمانی مقابله ای انجام گرفته این اختلال در دامنه شیوع ۲ تا ۱۶٪ جمعیت قرارداد (DSM IV، ۱۹۹۴).

البته در مورد میزان شیوع، تحقیقات مختلف، آمار متفاوتی ارائه می دهند؛ به عنوان مثال لاهی<sup>۳۱</sup> و همکاران در ۱۹۹۹ شیوع این اختلالات را برای CD دو درصد و ODD، سه و دو دهم درصد، بدست آورده اند که نسبتا بالاست. بدیهی است که چنین آمار و ارقامی در هر جامعه ای که باشد با توجه به مسایل ذکر شده ضرورت پیشگیری های موثر را از طریق شناخت دقیق خصوصیات شخصیتی که این پژوهش بر آن متمرکز است، آشکار می سازد و در این راستا با توجه به اهمیت دوگانه ویژگیهای شخصیتی هم در بروز و هم در تداوم بزهکاری، طبیعی است که گام اول در مورد پیشگیری و درمان، شناخت دقیق این پدیده و خصوصیات شخصیتی این کودکان خواهد بود که در این تحقیق، این بررسی به وسیله آزمون ترسیم خانواده، صورت گرفته است.

<sup>۳۰</sup> - Offord, D. R.

<sup>۳۱</sup> - Lahey, B. B.



## ۴-۱) هدف پژوهش

با توجه به آنچه که در قسمت قبل در مورد اهمیت موضوع عنوان شد مهمترین هدف و کاربردی که از این تحقیق یعنی مقایسه ویژگیهای شخصیتی کودکان بزهکار در مقایسه با کودکان غیر بزهکار انتظار می رود این است که با شناخت ویژگیهای شخصیتی بزهکاران، متخصصان بهداشت روانی بتوانند به پیشگیری و کاهش وقوع این پدیده و یافتن مداخلات مناسب جهت آن اقدام کرده و نیز خانواده ها از نتایج این تحقیق بهره مند گردند؛ بنابراین بایستی در ابتدا مشخص شود که دقیقاً در این پژوهش چه پرسشهایی برای تعیین این ویژگیها مد نظر است. در عین حال همانگونه که پیش از این گفته شد شکاف نسبتاً زیادی میان تعداد پژوهشها در زمینه بزهکاری و نظریه پردازی وجود دارد و ضرورت انجام چنین پژوهش هایی احساس می شود و این تحقیق سعی دارد تا به این نیاز پاسخ دهد.

## ۵-۱) سوالات پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش یعنی مقایسه ویژگیهای شخصیتی کودکان بزهکار و غیر بزهکار و نیز ابزار پژوهش یعنی آزمون ترسیم خانواده و ویژگیهایی را که این آزمون می تواند بسنجد، سوالات زیر طرح شده است.

۱-۵-۱) آیا سطح نمادهای نازرنده سازی در نقاشی کودکان بزهکار از

کودکان غیر بزهکار بیشتر است؟

۲-۵-۱) آیا سطح نمادهای صمیمیت در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان

غیر بزهکار کمتر است؟

۳-۵-۱) آیا تعداد حذف اعضای خانواده در نقاشی کودکان بزهکار از

کودکان غیر بزهکار بیشتر است؟

۴-۵-۱) آیا وسعت نقاشی در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر

بزهکار بیشتر است؟

- ۱-۵-۵) آیا سطح نمادهای اضطراب در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار بیشتر است ؟
- ۱-۵-۶) آیا سطح نمادهای افسردگی در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار بیشتر است ؟
- ۱-۵-۷) آیا سطح نمادهای ترس / نیاز به امنیت در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار بیشتر است ؟
- ۱-۵-۸) آیا سطح نمادهای عدم قدرت / قدرت طلبی در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار بیشتر است ؟
- ۱-۵-۹) آیا سطح نمادهای خشم در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار بیشتر است ؟
- ۱-۵-۱۰) آیا سطح نمادهای پرخاشگری در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار بیشتر است ؟
- ۱-۵-۱۱) آیا سطح نمادهای سازش یافتگی مناسب در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار کمتر است ؟
- ۱-۵-۱۲) آیا سطح نمادهای پارانویا در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار بیشتر است ؟
- ۱-۵-۱۳) آیا تعداد رنگهای به کار رفته در نقاشی کودکان بزهکار از کودکان غیر بزهکار کمتر است ؟
- در این تحقیق به عدم وجود همه ملاکهای مورد نظر به جز وسعت نقاشی عدد صفر و به ازای هر بار تکرار نیز یک نمره تعلق خواهد گرفت. در مورد وسعت نقاشی نیز نمره گذاری به صورت یک سوم، دو سوم و سه سوم استفاده از کل سطح کاغذ انجام خواهد گرفت.
- اگر به موضوع پژوهش، سوالاتی که مطرح شدند و اهداف این پژوهش به دقت توجه شود، آشکار است که همه آنها پیرامون بررسی تعدادی متغیر خاص سازمان یافته اند که حال لازم است آنها نیز به دقت تعریف شوند.

## ۶-۱) متغیرها و تعاریف اصطلاحات و واژه ها

۱-۶-۱) متغیرپیش بین: در پژوهش حاضر غیر بزهکار بودن و بزهکار بودن است که در بخش ۴-۶-۱ به تعریف هر یک از آنها پرداخته می شود.

۱-۶-۲) متغیرکنترل: در این پژوهش متغیر کنترل، سن و جنسیت آزمودنیها می باشد که سن، بین دامنه ۱۳ تا ۱۵ سال و جنسیت، پسر خواهد بود.

۱-۶-۳) متغیروابسته: نمادهای نا ارزنده سازی، حذف اعضای خانواده، صمیمیت، وسعت نقاشی، اضطراب، افسردگی، ترس / نیاز به امنیت، عدم قدرت / قدرت طلبی، خشم، پرخاشگری، سازش یافتگی مناسب، پارانویا و تعداد رنگهای به کار رفته در نقاشی می باشد که در زیر به شرح هر کدام به صورت جداگانه می پردازیم.

۱-۶-۳-۱) نمادهای نا ارزنده سازی<sup>۳۲</sup> در این پژوهش عبارتست از خط زدن، عدم ذکر نام، ارزشیابی کلامی کهنتر کننده، ترسیم در کنار صفحه و آخرین مرتبه، حذف جزئیات ضروری و کوچکتر ترسیم شدن (کرم، ۱۳۷۹،<sup>۳۳</sup>).

۱-۶-۳-۲) حذف<sup>۳۴</sup> در این آزمون عبارت است از تعداد افراد خانواده واقعی کودک بر مبنای اطلاعات حاصل از پرونده وی، منهای تعداد آدمک های ترسیم شده متناسب با اعضای خانواده وی.

۱-۶-۳-۳) نمادهای صمیمیت<sup>۳۵</sup> عبارتست از گرفتن دست در دست، بوسیدن و بازی کردن (کرم، ۱۳۷۹).

۱-۶-۳-۴) وسعت نقاشی<sup>۳۶</sup> در این آزمون عبارتست از یک سوم، دو سوم و سه سوم استفاده از کل سطح کاغذ.

<sup>۳۲</sup> -Devaluation

<sup>۳۳</sup> -Corman, L.

<sup>۳۴</sup> -Omission

<sup>۳۵</sup> -Cordiality

<sup>۳۶</sup> -Space

۱-۶-۳-۵) نمادهای اضطراب<sup>۳۷</sup> عبارتست از خطوط شکسته و ناقص، استفاده زیاد از پاک کن، سایه زدن، جزئیات وسواسی و حذف دهان و بینی. (کافمن<sup>۳۸</sup>، ول<sup>۳۹</sup>، ۱۹۹۲؛ کویپتز<sup>۴۰</sup>، ۱۹۶۸).

۱-۶-۳-۶) نمادهای افسردگی<sup>۴۱</sup> عبارتند از ابر، باران، برف، پرنده، خورشید پشت ابر، مکان ترسیم نقاشی در پایین صفحه، ترسیم سر کوچک، وسعت کم ترسیم، جزئیات نامتناسب و گریه (کویپتز، ۱۹۶۸؛ اگدن<sup>۴۲</sup>، ۱۹۸۵).

۱-۶-۳-۷) نمادهای ترس/ نیاز به امنیت<sup>۴۳</sup> عبارتند از عدم ترسیم پا یا پاهای کوچک، پاهای نامتعادل و یا بیش از اندازه بزرگ و آدمک نامتعادل (کویپتز، ۱۹۶۸؛ اگدن، ۱۹۸۵).

۱-۶-۳-۸) نمادهای عدم قدرت/ قدرت طلبی<sup>۴۴</sup> عبارتند از شانه های چهارگوش و زاویه دار و تاکید بیش از حد روی عضلات و نیز نشانه های آلتی (اگدن، ۱۹۸۵).

۱-۶-۳-۹) نمادهای خشم<sup>۴۵</sup> عبارت اند از فشار زیاد مداد، چشمان لوچ، اسلحه، دندان، چنگال (حیوانات)، چاقو و مشت های گره کرده (همر<sup>۴۶</sup>، ۱۹۶۸؛ مک هوور<sup>۴۷</sup>، ۱۹۸۰؛ اگدن، ۱۹۸۵).

۱-۶-۳-۱۰) نمادهای پرخاشگری<sup>۴۸</sup> عبارتند از، عضلات منقبض، بازوهای بلند، دستان بزرگ، دندان، تفنگ، چاقو، ناخن و چنگال (کویپتز، ۱۹۶۸؛ مک هوور، ۱۹۸۰؛ اگدن، ۱۹۸۵)، بیرون زدن رنگها از نقاشی یا تداخل رنگ و ترسیم هیولا و حیوانات درنده (مالچیودی<sup>۴۹</sup>، ۱۹۹۷) و کتک زدن یا کتک خوردن (کرمن، ۱۳۷۹).

<sup>۳۷</sup>-Anxiety

<sup>۳۸</sup>-Kaufman, B.

<sup>۳۹</sup>-Wohl, A.

<sup>۴۰</sup>-Koppitz, E. M.

<sup>۴۱</sup>-Depression

<sup>۴۲</sup>-Ogden, D. P.

<sup>۴۳</sup>-Fearful/ need for safety

<sup>۴۴</sup>-Powerless/ need for power

<sup>۴۵</sup>-Anger

<sup>۴۶</sup>-Hammer, E. F.

<sup>۴۷</sup>-Machover, K.

<sup>۴۸</sup>-Aggression

<sup>۴۹</sup>-Malchiodi, C.